



## بررسی فتاوی اهل تسنن و شیعه درباره روزه کسی که مسافر است

استاد تفسیر حوزه علمیه با اشاره به جعلی بودن روایت استحباب روزه در روز عاشورا، گفت: خوارج و اموی‌ها معتقد بودند عاشورا عید و روزه آن مستحبی است.

استاد تفسیر حوزه علمیه با اشاره به جعلی بودن روایت استحباب روزه در روز عاشورا، گفت: خوارج و اموی‌ها معتقد بودند عاشورا عید و روزه آن مستحبی است.

به گزارش خبرگزاری مهر، آیت‌الله احمد عابدی در ادامه تفسیر سوره مبارکه بقره به آیه ۸۴ «أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» اشاره کرد و گفت: ایاماً معدودات یعنی ایامی که مشخص یا اندک است؛ مثلاً وقتی گفته می‌شود که فلانی مال معدود دارد، یعنی مقدار مالش مشخص است. البته محتمل است که معدودات، کم هم معنا شود، همان طور که در داستان یوسف (ع) «دراهم معدوده» به کار رفته است.

وی افزود: در مورد اینکه ایام معدود چه زمانی است روایات مختلفی بیان شده است؛ اول این طور بوده که گفته شده هر ماهی سه روز روزه بگیرد که مجموعاً در طول سال ۳۶ روز خواهد شد، برخی هم گفته اند سه روز هر ماه به اضافه روزه روز عاشورا که قتاده مدافع این نظر است.

جعلی بودن روایت استحباب روزه در روز عاشورا

وی افزود: قتاده تفکر خوارج دارد و اینکه از روزه روز عاشورا دفاع کرده، محتمل است که به خاطر لجاحت با اهل بیت و دشمنی این مسئله را مطرح کرده باشد، زیرا خوارج و اموی‌ها معتقد بودند که عاشورا عید است و روزه آن مستحبی است. البته برخی گفته اند که این سه روز و روزه عاشورا مستحبی بوده است و برخی هم واجب دانسته اند. به هر حال این روزه‌ها هر مقدار که بوده با روزه ماه مبارک رمضان نسخ شده است.

عابدی بیان کرد: قول دیگر از ابن عباس و جبایی و ابومسلم و اکثر مفسران بیان شده که معدودات یعنی ماه رمضان، یعنی خداوند ابتدا فرمود روزه واجب است، ولی آن را مجمل گذاشت و بیان نکرد. سپس فرمود ایام معدودات است و باز مشخص نکرد تا اینکه در آیه دیگری فرمود که روزه برای ماه رمضان است؛ یعنی تدریجاً آن را واجب و روزهایش را تعیین کرد.

استاد درس خارج حوزه علمیه گفت: در ادامه آیه بیان شده است که «أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»؛ یعنی اگر کسی مریض یا مسافر بود، می‌تواند روزهای دیگری آن را جبران کند.

اختلاف فتاوی اهل تسنن و شیعه در افطار روزه مسافر

وی افزود: فقهای اهل تسنن فتوا داده اند که افطار در سفر جایز است و نه واجب، اما صاحب مجمع گفته است که بر مریض و مسافر افطار واجب است، زیرا قضا روزه را خدا واجب کرده است؛ یعنی به خاطر اینکه الان نمی‌تواند روزه بگیرد، باید بعداً بگیرد. سنی‌ها می‌گویند هر کسی مسافر بود و افطار کرد، قضا آن واجب است، اما کسانی که افطار نکردند، در عین اینکه مسافر بودند، قضا روزه بر گردن آنها نیست که این مسئله خلاف ظاهر آیات است.

عابدی تصریح کرد: اینکه ما شیعیان می‌گوئیم افطار واجب است، جماعتی از صحابه مانند عمر بن خطاب، عبدالله بن عباس، عبدالله بن عمر، عبدالرحمان بن عوف، ابوهریره و ابن زبیر گفته اند که روزه مسافر و مریض واجب است که افطار شود. مسافری به عمر مراجعه کرد که روزه را افطار نکرده بود و عمر به او گفت روزه اش باطل است. از پسر عمر پرسیدند که روزه در سفر چه حکمی دارد؛ گفت شما اگر احسانی به فردی بکنید و او پس دهد، چون رد احسان است، موجب ناراحتی انسان می‌شود و کسی که در مسافرت روزه بگیرد، رد احسان خداوند است، زیرا افطار صدقه خدا به بنده است.

وی در پاسخ به این سوال که چرا با اینکه عمر گفته روزه مسافر باید افطار شود، اما مفتیان سنی آن را واجب نمی‌دانند، اضافه کرد: اهل تسنن معتقد هستند که اگر صحابه ای نظری بدهد و بقیه صحابه هیچ چیزی نگویند قول او حجت است، اما اگر قول

صحابه ای مخالف داشته باشد، حجت نیست و می توان به حرف صحابه دیگر تمسک شود.

عابدی اظهار کرد: عبدالرحمن بن عوف هم از پیامبر روایت کرده کسی که در سفر روزه بگیرد، مانند کسی است که در حذر افطار کرده است، از ابن عباس هم نقل است که افطار واجب است و نه جایز. اگر کسی مسافر و روزه دار بود و مرد، نماز میت بر این فرد نمی خوانم، زیرا در حال گناه مرده است، زیرا هر مسافری باید افطار کرده و نماز را قصر کند، مگر کسی باشد که سفرش معصیت و یا صید باشد.

رد عدالت صحابه از سوی میرحامد حسین

استاد درس خارج حوزه علمیه بیان کرد: از عیاشی که در تفسیر او همه اسناد محذوف است، از امام صادق (ع) نقل شده است که پیامبر در مسافرت نه روزه مستحب و نه روزه واجب می گرفت تا اینکه این آیه نازل شده و پیامبر فرمودند که ظرف آبی بیاورید و خودشان تناول کردند و فرمودند که قومشان هم بخورند؛ عده ای مقدس مآب معترض شدند که تا نزدیک ظهر روزه هستیم و تا مغرب بگیریم ولی پیامبر کسانی را که روزه گرفتند «عصاة» یعنی عصیانگر نامید و تا وفات پیامبر به این لقب به این گروه داده شده بود. میرحامد حسین کتابی نوشته که از بین رفته است؛ وی در کتابش صحابه ای را که پیامبر بر آنها حد جاری کرده است نام برده که خود این موضوع بهترین دلیل بر عدم عدالت صحابه است.

وی با اشاره به واژه یطیقونه، افزود: کسانی که قرار است با جان کندن روزه بگیرند و به مضیقه می افتند، خداوند آنها را مخیر کرده است که یا روزه بگیرند و کفاره ندهند یا اینکه روزه بخورند و کفاره بدهند و برای هر روز هم غذای یک نفر را بدهند. قول دیگر این است که یطیقونه رخصت برای زن های حامله، رضیعه و شیوخ کبیر است. البته حامل بودن و شیردادن جواز افطار نیست، مگر اینکه فرد ضرر داشته باشد. برخی از امام صادق نقل کرده اند که آنهایی که می توانستند روزه بگیرند، ولی پیر شدند و مرض عطش و شبیه آن گرفته اند، باید برای هر روز یک مد کفاره بدهند.

عابدی تصریح کرد: علی بن ابراهیم هم از امام صادق (ع) نقل کرده که یطیقونه یعنی کسانی که در ماه روزه مریض شدند و سپس خوب شدند تا ماه رمضان بعد هم نتوانستند قضا بگیرند، باید هم قضا بگیرند و هم کفاره بدهند. در مورد میزان فدیة هم نظرات مختلف بیان شده است که به نظر شیعه اگر وضع مالی فرد خوب است، دو مد و اگر خوب نیست یک مد بدهد.

وی افزود: در مورد قَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا، برخی مراد از آن را روزه مستحبی گفته اند، ولی برخی گفته اند بیش از یک مد طعام بدهد، در حالی که وظیفه او یک مد بیشتر نیست، ابن عباس هم تطوع را زیادت اطعام در نظر گرفته است و برخی گفته اند من تطوع یعنی هر کسی که کار خوب بکند مانند خواندن نماز نافله و ذکر خداوند. «ان تصموا خیر لکم» هم یعنی اگر شیوخ روزه را بگیرند، بهتر از این است که کفاره بدهند، البته این حکم برای قبل از نسخ است.